

## سیر و تطّور اصطلاح عرفانی صبر از ابتدا تا اواخر قرن هشتم

حیدر علی شکاک<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>مدرس دانشگاه فنی اسفراین.

نویسنده مسئول: shkkaki92@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۶ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۱

### چکیده

با آنکه اصطلاح «صبر» از مفاهیم زیربنایی و اصولی صوفیان در سیر و سلوک است. درباره تعریف و دسته بندی و مصادیق آن از قرون اولیه تا قرن هشتم اتفاق نظر وجود نداشته است. و هر عارف با توجه به تجربه و تلقی و مطالعه ی خاص خود، مفهوم ویژه ای از صبر و انواع و جایگاه آن را دریافته و ارائه کرده است. از صدر اسلام با توجه به آیات شریفه ی قرآن مجید و احادیث پیامبر (ص)، واژه «صبر» وارد حوزه عرفان شد و به تدریج، شاخ و برگ گسترده ای یافت و به یک اصطلاح منحصر و ویژه ای تبدیل شد. متصوّفه مصداق و مفاهیم و تقسیم بندی گوناگونی از این اصطلاح را ارائه کرده اند. این پژوهش بر آن است تا از رهگذر گزارش اقوال مشایخ صوفیه دگرگونی، تثبیت، تعریف، تقسیم بندی، نتایج، شباهت، بهترین و دشوارترین، جایگاه و نشانه های اصطلاح عرفانی صبر را از قدیمی ترین متون صوفیه تا اواخر قرن هشتم براساس سیر تاریخی نشان دهد.

**کلیدواژه:** صبر، جایگاه صبر، نتایج صبر، بهترین و دشوارترین صبرها.

### مقدمه

یکی از مباحث زیربنایی آموزش صوفیه تعریف اصطلاحات به ویژه اصطلاح «صبر» و تلقی عرفا از این اصطلاح است. در سال های اولیه شکل گیری تصوف، تعداد مقامات و احوال محدود بود در رساله «آداب العبارات» شقیق بلخی تنها سخن از چهار منزل است. خواجه عبدالله انصاری شمار مقامات را به ۱۰۰ منزل (انصاری، ۱۳۷۲: ۲۵۸) روزبهان بقلی در مشرب الارواح به ۱۰۰۱ مقام ارتقا می دهند. با توجه به گسترش دیدگاه مشایخ، تعاریف صبر نیز گوناگون و متفاوت شد. سراج در اللع، هجویری در کشف المحجوب و قشیری در رساله و سهروردی در عوارف المعارف و... هر کدام بخشی از اثر خود را به موضوع و اصطلاح «صبر» اختصاص داده اند و در حد امکان کوشیده اند با توجه به آثار و متون گذشته از قبیل قرآن مجید، احادیث پیامبر (ص)، حضرت علی (ع)، قوت القلوب مکی و اقوال دیگرمشایخ تا اختلاف نظرهایی را که درخصوص صبر و مصداق این اصطلاح وجود دارد مطرح کنند. از توجهی که نویسندگان به تعریف و ذکر جوانب آن کرده اند؛ پیداست که صبر از مفاهیم پر مناقشه آن عصر بوده است و مفهوم و مصداق آن به درستی آشکار نبوده است. حتی ابوطالب مکی و نیسابوری خرگوشی و خواجه عبدالله انصاری گاهی آن را جزء مقام و گاهی جزء حال بیان کرده اند و روزبهان بقلی آن را جزء احوال ارائه کرده است (شعبانزاده، ۱۳۹۱: ۱۴۲-۱۴۳). هرچند دیدگاه کلی بر آن است که صبر یک مقام است. «ابوبکر واسطی، سراج در اللع، غزالی در کیمیای سعادت، نجم الدین کبری در اصول العشره، سهروردی در عوارف المعارف، محمد و کاشانی در مصباح الهدایه و باخرزی در اورادالاحباب و آملی در نفایس الفنون آن راز مقامات می دانند» (شعبانزاده، ۱۳۸۷: ۶۵-۶۶). با آنکه صاحب نظرانی مانند سراج و قشیری و دیگران این اصطلاح را تعریف کرده اند و اقوال گوناگون مشایخ را پیرامون آن ذکر کرده اند اما شبه رفع نشده است و اختلاف نظر همچنان باقی است. و تقریباً تنوع تعریف و تقسیم بندی مصداق های صبر به تجربه ها و آبخورهای فکری بزرگان و مشایخ صوفیه متفاوت است.

### بیان مساله و سوالات تحقیق

صبر یکی از مقامات مهم عرفانی است که در قرآن کریم، نهج البلاغه، احادیث و اقوال مختلف عرفا و مشایخ تصاویر و مفاهیمی بدیعی از آن ارائه شده است؛ مفهوم و جایگاه مقام صبر شبکه گسترده ای از معانی را در رفتار و اعمال و تعالیم عرفا و صوفیه خلق نموده است، و در سیر و سلوک مراحل عرفان تعلیم آن به مریدان و سالکان راه حق امری ضروری است. ما در این مقاله برآنیم تا سیر و تطّور صبر را در دوره های مختلف بررسی و تحلیل کنیم و به سوالات ذیل پاسخ دهیم.

- هریک از شخصیت های عرفانی چه مفهومی از مقام صبر را ارائه کرده اند؟

- مفهوم ومصداق مقام صبر در ادوار مختلف چه بوده است؟
- مفهوم صبر در اندیشه بزرگان مشایخ چه تفاوت و تشابهاتی داشته است؟

### اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش مطالعه و بررسی مبانی مفهوم سیر و تطور اصطلاح عرفانی صبر در متون عرفانی و ادبی در ادوار مختلف است تا از رهگذر گزارش اقوال مشایخ صوفیه دگرگونی، تثبیت، تعریف، تقسیم بندی، نتایج، شباهت، بهترین و دشوارترین، جایگاه و نشانه های اصطلاح عرفانی صبر را از قدیمی ترین متون صوفیه تا اواخر قرن هشتم براساس سیر تاریخی نشان دهیم؛ زیرا با بررسی سیر و تطور صبر، مفهوم و مصداق آن مشخص می شود و به جایگاه آن در دیدگاه عرفا هر دوره و بینش تعلیمی آن می توان پی برد.

### پیشینه تحقیق

اگرچه درباره اصطلاح عرفانی صبر پژوهش های گوناگونی صورت گرفته است؛ با وجود این در خصوص موضوع این پژوهش یعنی سیر و تطور صبر، پژوهش مستقل صورت نگرفته است و هر کدام از منظر خاصی یا به صورت کلی به بیان مفهوم صبر در برخی از آثار عرفانی پرداخته اند؛ که در ذیل به برخی از این پژوهش های ارزشمند اشاره می شود. خوشحال دستجردی در ۱۳۸۲ در مقاله «بازتاب مفهوم قرآنی صبر در آثار عطار نیشابوری» سعی کرده است با تأکید بر منظومه های عطار مفهوم عرفانی صبر در سیر الی الله از دیدگاه این عارف بزرگ را بیان کند؛ و این نویسنده در ۱۳۸۲ در مقاله «مقامات عرفانی پیامبر بر اساس تحویل آیات صبر در کشف الاسرار و دیگر متون عرفانی به زبان فارسی» سعی کرده است تا مفهوم صبر در مسلک عرفانی رشیدی میبدی و پایداری پیامبر در برابر رنج ها و مشکلات طاقت فرسای آن در برابر کفار را بررسی کند و همچنین این نویسنده در سال ۱۳۸۵ در مقاله «صبر جفای خلق و نقش آن در تکامل روحی و معنوی انسان از دیدگاه عرفان و تصوف» نقش مهم و اساسی صبر در تکامل فردی و اجتماعی بشر پرداخته است؛ افراسیاب پور در ۱۳۹۱ در مقاله «فضیلت صبر در ادبیات تعلیمی» به بررسی اجمالی صبر در شاهنامه فردوسی، گلستان سعدی، آثار خواجه نصیر، سنایی، عطار مولوی، جامی و حافظ با نگاه اخلاق گرایانه و تعلیمی پرداخته است؛ یوسف آملی و اکبری در ۱۳۹۱ در مقاله «مفهوم شناسی واژه صبر با تأکید بر شبکه معانی این واژه در قرآن» به بررسی مفهوم در قرآن پرداخته است؛ فریدون طهماسبی و دیگران در ۱۳۹۷ در مقاله «انواع و مراتب صبر در متون عرفانی» سعی کرده اند تا بر اساس متون ارزشمند نثر عرفانی فارسی ضمن بیان تلقی عرفا از مفهوم صبر انواع و مراتب آن را از دیدگاه قرآن تحلیل کنند؛ وجیه ربیعی و دیگران در ۱۳۹۸ در مقاله «بررسی مقام صبر در متون عرفانی ادب فارسی و راهکارهای عملی آن در روانشناسی مثبت گرا» انواع و درجات مقام صبر را از متون فارسی استخراج کنند و جایگاه صبر از منظر روانشناسی و نتایج و پیامدهای عملی آن در زندگی امروزی را بررسی کنند. از آنجایی که سرچشمه های فکری مشایخ صوفیه، آیات شریفه قرآن مجید و احادیث پیامبر (ص) و سخنان حضرت علی (ع) است این پژوهش ابتدا به بررسی و ارائه ی اصطلاح صبر در قرآن مجید و احادیث پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) پرداخته است و سیر اقوال و اختلاف نظر صوفیه را تا قرن هشتم ارائه کرده است.

### ۱- صبر در قرآن مجید

بدیهی است که سرچشمه بیشتر مضامین و اصطلاحات عرفانی قرآن مجید است. اصطلاح «صبر» از آیات شریفه ی قرآن مجید وارد حوزه ی اندیشه ی صوفیان شد و بار معنایی گسترده ای در طول قرون در درپیرامون آن شکل گرفت. واژه «صبر» و مشتقات آن تقریباً صد بار در قرآن مجید ذکر شده است و خود واژه «صبر» به تنهایی حدود ۵۰ بار در آیات شریفه ی قرآن ذکر شده است. مانند آیات شریفه ذیل:

۱- واصر علی ما یقولون واهجرهم هجر جمیلاً (۳۷/۱۰)

۲- ولربک فاصبر (۴۷/۷)

۳- یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلاه انهما لکبیرت الاعلی الخاشعین (۲/۴۵)

تکرار صبر و مشتقات آن در قرآن مجید زمینه ساز معنی آفرینی و مفهوم یابی مختلفی در اندیشه صوفیان شد. در قاموس قرآن آمده است: «صبر در لغت به معنی حبس، امساک و خویشتن داری و حبس نفس است بر چیزی که شرع و عقل تقاضا کند یا از چیزی که شرع و عقل از آن نهی کند. اگر خویشتن داری در معصیت باشد آن را صبر گویند و ضد آن جزع است و اگر در جنگ باشد شجاعت نامند و ضد آن جبن است اگر در پیش آمد باشد آن را سعه صدر گویند اگر در امساک از سخن باشد کتمان گویند» (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۰۵). به طور کلی معنی واژه «صبر» در قرآن مجید در چند بخش زیر قابل دسته بندی است:

- «صبر به معنی خویشتن داری مانند آیه شریفه ی «یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوه ان الله مع الصابین» (سوره بقره، آیه ۱۵۳).

- صبر به معنی روزه است مانند آیه ی شریفه ی «استعینوا بالصبر و الصلوه» از ابی الحسن نقل کرده اند که «الصبر الصوم اذا نزلت بالرجل الشده او النازله فلیصم» (همان، ۱۰۷).

- صبر به معنی جرأت در آیه ی مبارکه «فما اصبرهم علی النار» (سوره بقره، آیه ی ۱۷۵).  
 - صبر به معنی انتظار در آیه ی شریفه ی «واصبر لحکم ربک فانک بأعیننا» (سوره طور، آیه ی ۴۸) «همان. ۱۰۷».

## ۲- احادیث پیامبر (ص)

- اصطلاح «صبر» در بسیاری از احادیث پیامبر (ص) بیان شده است و احادیث پیامبر (ص) یکی از شالوده های اساسی اندیشه صوفیه است و در آثار صوفیه بازتاب گسترده ای یافته است و صوفیه با برداشت های متعددی آن را ارائه کرده اند. برای نمونه در ذیل چند حدیث از پیامبر (ص) درباره موضوع صبر و جایگاه صبر برای تبیین موضوع ارائه می شود.
- ۱-۲- الصبر رضا: صبر مایه خشنودی است (ردایی آملی، ۱۳۸۶: ۲۸۸).  
 ۲-۲- «الصبر والاحتساب افضل من عتق الرقاب و یدخل الله صاحبهنَّ الجنة بغیر حساب: صبر و سکون از آزاد کردن بندگان بهتر است و خدا صاحب آن را بدون حساب به بهشت می برد.  
 ۳-۲- الصبر من الايمان به منزله الرأس من الجسد: صبر در ایمان به مانند سر در جسم است.  
 ۴-۲- ما رزق العبد اوسع علیه من الصبر: هیچ کس را روزی وسیع تر از صبر نداده اند.  
 ۵-۲- لو کان صبر رجلاً کریماً: اگر صبر به شکل مردی بود مردی کریم و بزرگوار بود» (همان، ۲۸۸).  
 ۶-۲- من یصبر علی الرزیه یعوضه الله: هر کس بر معصیت صبر کند خداوند او را عوض می دهد (همان، ۲۸۹).

## ۳- نهج البلاغه و سخنان شیوای امیرالمومنین

- یکی دیگر از آبخشورهای فکری مشایخ صوفیه سخنان امیرالمومنین است. صبر در دیدگاه حضرت علی (ع) جایگاه والا و ویژه ای داشته و با ایمان رابطه ی ناگسستگی دارد. از نظر مبارک ایشان «ایمان تکیه بر چهار پایه دارد: صبر، یقین، عدل و جهاد و صبر بر چهار پایه استوار است: شوق، هراس، زهد و انتظار» (علی ابن ابیطالب، ۱۳۸۴: ۴۴۸). احادیث زیادی از آن حضرت درباره صبر ارائه شده است که در ذیل به چند مورد از آن اشاره می کنیم:
- ۱-۳- علیکم بالصبر فان الصبر من الايمان کرأس من الجسد و لاخیر فی جسد لارأس و لا فی ایمان لا صبر معه: به ویژه شما یاران را به صبر توصیه می کنم، زیرا که جایگاه در ایمان، جایگاه سر است در بدن که ایمان بی صبر را چونان تنی بی سر، ارزشی نیست (همان، ۴۵۶).  
 ۲-۳- «مَنْ صَبَرَ الْأَحْرَارَ وَالْإِسْلَامَ سَكَّوَالْأَعْمَارَ: در مصیبت ها چون آزادگان شکیبایی باید و یا چو نادان فراموش کردن شاید» (علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹: ۴۳۴).  
 ۳-۳- «مَنْ لَمْ يُنْجِ الصَّبْرُ أَهْلَكَ الْجَزَعُ: هر کس را شکیبایی نرهند بی تابی اش تباه گرداند» (علی ابن ابیطالب، ۱۳۸۴: ۴۶۸).  
 ۴-۳- «ینزل الصبر علی قدر المصیبه و من ضرب یده علی فخذہ مصیبه حبط عملہ: فرمود شکیبایی به اندازه ی مصیبت فرود آید و آن که به هنگام مصیبت دست بر ران هایش بزند صوابش بدست نیاید» (همان، ۴۶۸).  
 ۵-۳- العجز أفه و الصبر شجاعه: عجز آفت است و صبر شجاعت است» (علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹: ۳۶۱).  
 ۶-۳- الصبر صبران صبر علی ما تکره و صبر عما تحب: صبر بر دو دسته است: صبر آنچه ناخوشایند است و صبر از آنچه دوست داری (همان، ۳۷۰).  
 ۷-۳- لا یعدم الصبور الظفر ان طال به الزمان: شکیبای پیروزی را از کف ندهد اگرچه روزگاری بر او بگذرد (همان، ۱۳۹۰).

## تعاریف صبر

«صبر در قاموس قرآن به معنی حبس، امساک، خویشتن داری و حبس نفس است بر چیزی که شرع و عقل تقاضا کند یا از چیزی که شرع و عقل از آن تهی کند و به معنای خویشتن داری، روزه، جرات و انتظار آمده است» (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۰۵). که این مضامین در دوره های بعد دست مایه تعاریف عارفان قرار گرفته است. حضرت علی (ع) (شهادت ۴ ه.ق) باتوجه به مضامین قرآن به معنی خاصی از آن توجه دارد که: «صبر شجاعت است» (علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹: ۳۶۱) «جنیدی بغدادی (فوت ۲۹۷ ه.ق.) نیز به باتوجه به قرآن از زاویه دیگری به آن می نگرد که «صبر بازداشتن نفس است با خدای تعالی بی آنکه جزع کند یا فرو خوردن تلخ هاست و روی ترش ناکردن» (عطار، ۱۳۸۸: ۳۸۸) و سهل بن عبدالله (فوت ۲۷۶ ه.ق) به مفهوم دیگری از آن توجه دارد «صبر انتظار فرج است از خدای تعالی» (عطار، ۱۳۸۸: ۲۷۶). ابوسعید خراسی (فوت ۲۸۶ ه.ق) دقیقاً تعریف جنید و ایه قرآن را باهمان محوریت «تحمل ناخوشایندی نفس است» (خراسی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). ارایه می کند «ابراهیم خواص (فوت ۲۹۱ ه.ق) در همان دوره مضمونی تازه تر را بیان می کند «صبر ثبات است بر احکام کتاب و سنت» (عطار، ۱۳۸۸: ۵۳۱). «حسین بن منصور حلاج (فوت ۳۹۰ ه.ق) باتوجه به احوال خود تعریفی عاشقانه از آن بیان می کند «صبر آن است که دست و پای او ببرند و از دار آویزند» (همان، ۵۱۴). ابومحمد جریر (فوت ۳۱۱ ه.ق) نیز باتوجه به آیات قرآن صبر را «آرامش نفس صبر و سکون نفس است در بلا» (همان، ۵۰۷). می داند ابومعمرونجدید (فوت ۳۶۶ ه.ق) نیز بر همان اندیشه جنید و آیات قرآن است (همان، ۶۳۵). همچنان که سراج (فوت ۳۷۸ ه.ق) از قول قتاد نیز همین مضمون را بیان کرده است (سراج، ۱۳۸۶: ۷۲). «نيسابوری خرگوشی (فوت ۴۰۷ ه.ق) از قول حسین علی (ع) دید گاه واندیشه ای نویی را بیان کرده که در گذشته نیامده است «صبر سفارش خدای تعالی در زمین است کسی که حفظ کند نجات

می یابد و کسی که ضایع کند هلاک می شود» (نیسابوری خرگوشی، ۱۴۱۹:۱۲۳). مستملی (فوت ۴۳۴ ه.ق) با توجه به ایه ی قران بر تعاریف گذشته رفته است که «صبر گوش داشتن فرج است از خدای تعالی، یعنی بلا چون به تو رسد در کونین مفرج ندانی مگر خدا را و به کسی ننالی جز او و صبر آن است که در صبر صبر کنی و در صبر صبر کردن آن باشد که صبر خویش نبینی در بلا صابر باشی به بلا نادیدن» (مستملی، ۱۳۶۵:۱۲۲۸) «قشیری (فوت ۴۶۵ ه.ق) که بیانگر اندیشه عرفای ماقبل خودست از قول ذوالنون، ابن عطار، ویم، جریری و استاد بو علی همان مضامین گذشته «بامحور باز داشتن نفس از مخالفت آرمیدن با خوردن تلخی ها و استقامت کردن است بخدای تعالی» (قشیری، ۱۳۸۸:۲۷۹-۲۸۱) بیان می کند. خواجه عبدالله انصاری (فوت ۴۸۰ ه.ق) در سالهای نزدیک به آنها بر همین اندیشه است صبر «جلوگیری است از شکایت در تلخی آزمایش ها و بستن زبان از حکایت، دور ساختن آنچه سبب اذیت شود، پرهیز جستن از آنچه مکره است (انصاری، ۱۳۸۹:۱۰۸). غزالی (فوت ۵۰۵ ه.ق) در کیمیای سعادت همان اندیشه های گذشته را بایبان دونیروی نیروی فرشتگی و شیطانی و در نسبت به آنها صبر را تعریف کرده است «انسان دارای دو نیرو است به نام فرشتگی و شیطانی و بین آنها نبرد دایمی وجود دارد و میان این دولشکر همیشه جنگ و مخالفت است که آن می گوید بکن و این گوید مکن وی پیوسته میان دو متقاضی مانده است. اگر باعث دینی پای برجا بدارد و در کارزار کردن یا باعث هوا و ثبات کند، این ثبات او را صبر گویند، پس معنی صبر این است» (غزالی، ۱۳۸۷:۳۴۶). احمد جام (فوت ۵۳۶ ه.ق) چون گذشتگان صبر را «حبس نفس» می داند (جام، ۱۳۶۸:۱۸۲) روزبهان بقلی (فوت ۶۰۶ ه.ق) در مشرب الارواح با توجه به مضامین گذشته با افزودن «شفقت حق و نصف ایمان» تا حدودی آن را نو کرده است «تصبر خمود نیران النفس الا ماره برباح شفه الحق و صبر نصف الیقین والصر الوقوف عند اللبلاو العکوف علی الصفا. (روزبهان، ۱۶۲۶: ۴۱-۴۲) خواجه نصیر طوسی (فوت ۶۷۲ ه.ق) در قرن ۷ نیز بدون هیچ دخل و تصرفی با توجه به همان تعارف اولیه به آن پرداخته که: «صبر حبس نفس است از جزء بر وقت وقوع مکره و باز داشتن زبان از شکایت و نگاه داشتن اعضا و حرکات غیر معتاد» (طوسی، ۱۳۷۷:۶۰). عزالدین محمود کاشانی (فوت ۷۳۵ ه.ق) در مصباح الهدایه دقیقا عین تعریف خواجه نصیر را ذکر می کند (کاشانی، ۱۳۸۷:۲۶۳). همچنان که ابرقوهی (فوت ۷۱۱ یا ۷۱۴ ه.ق) نیز همان تعریف را با همان بیان ذکر نموده است» (ابرقوهی، ۱۳۶۴:۸۳)

## تعاریف صبر از دیدگاه عرفا

### جایگاه صبر

صبر در اندیشه متصوفه و مشایخ نامدار، جایگاه ویژه ای را داشته است که در ذیل سعی شده است جایگاه این اصطلاح عرفانی از رهگذر سیر تاریخی آن در اندیشه عرفا تبیین شود. در احادیث پیامبر (ص) آمده است: صبر از آزاد کردن بندگان بهتر است (ردایی آملی، ۱۳۸۶:۲۸۸). حضرت علی (ع) می فرماید: «شما را به صبر توصیه می کنم زیرا که جایگاه آن در ایمان جایگاه سر است در بدن، که ایمان بی صبر را چونان تن بی سر ارزش نیست» (علی ابن ابیطالب، ۱۳۸۴:۴۵۶). فضیل عیاض (فوت ۱۸۷ ه.ق) گفت: اصل دین عقل است و اصل عقل حلم است و اصل حلم صبر است» (عطار، ۱۳۸۸:۸۱). ابوبکر و راق اواخر قرن سوم گفت: کلید همه برکت ها صبر است. در موضوع ارادت تا آن که ارادت تو درست گردد چون ارادت درست شد، اول برکت ها بر تو گشاده گشت (همان، ۶۴۷:۶۴). مکی (فوت ۳۸۶ ه.ق) «صبر سخت ترین چیزی است بر نفس و ناگوارترین امری است بر طبع و با آلام و نظم و تواضع کمتر آمیخته است و در آن آداب و حسن خلق فراوان است و باعث رفع آزار و تحمل آزار خلق می شود و این از عزای مامور است که باعث دلتنگی اکثر مردم می شود و با آکراه نفوس همراه است» (مکی، ۱۳۱۰: ج ۱۹۹/۱). نیسابوری خرگوشی از بشر بن حارث نقل کرده است: «بهترین آنچه بنده را بخشیده اند شناخت و صبر است» (نیسابوری خرگوشی، ۱۴۱۹:۱۲۵) و از جنید نقل کرده است «نهایت صبر توکل است» (همان، ۱۲۶) و می نویسد «صبر میوه یقین است» (همان، ۱۲۶). مستملی چون زهد ترک مرادست ترک مراد نتوان کرد مگر به صبر، پس صبر را بر زهد مقرون کرد «صبر مقامی بزرگ است و خدا مصطفی را علیه السلام را صبر فرمود» (مستملی، ۱۳۶۵:۱۲۲۷). صبر پاک کننده است و چیزها را به وی پاک کنند و معنی این سخن آن است که صبر برخداوند بلا نهاده است از هر پاک کردنش و پاک کردن دو گونه است یکی عام را و یکی خاص را عام را بلا برگمارد تا از گناه پاک کند از نالیدن محال است و باز خاص را بلا بر گمارد تا باطن ایشان را از غیر حق پاک کند (همان، ۱۳۳۱) هجویری (فوت ۴۷۰ ه.ق) در کشف المحجوب از قول جنید بنای تصوّف را با اقتدا به هشت پیغمبر علیهم السلام هشت خصلت می داند که یکی از این هشت خصلت صبر است «سخاوت به ابراهیم، رضا به اسحاق و صبر به ایوب که اندر بالای کرمان صبر کرد و اشارت به زکریا و غریب به یحیی و به سیاحت به عیسی (ع) و لبس صوفیه به موسی و به فقر به محمد علیهم السلام» (هجویری، ۱۳۸۶:۵۵). از دیدگاه خواجه عبدالله انصاری صبر «از دشوارترین منازل است عامه را و وحشت انگیزترین (سبب دوری) از طریق محبت و ناگوارترین از طریق توحید» (انصاری، ۱۳۸۹:۱۰۶). قشیری بر این اندیشه است که صبر ابزار دفاع است در خشم، معصیت و مکروهات: «صبر اندر اول کارها باید چون خشم گیرد و یا معصیتی رسد یا مکروهی، به صبر استقبال آن باز شود» (قشیری، ۱۳۸۸:۲۷۸). پیغمبر صلی الله علیه و سلم درباره پرسش از ایمان گفت: «صبرست و خوش خویی» (همان، ۲۸۵). و از قول استاد ابوعلی رحمه الله می آورد که حد صبر آن است که اعتراض بر تقدیر نکنی (همان، ۲۸۶). غزالی در کیمیای سعادت می نویسد: «به سبب بزرگی صبر است که خدای تعالی در قرآن زیاد از هفتاد جای صبر را یاد کرده است و هر درجه ای که نیکوترست با صبر حوالت کرده است تا امامت اندرین راه با صبر حوالت کرد. و مزدی بی نهایت و بی حساب با صبر حوالت کرد و گفت: آنما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب و صابران را وعده داد بدانکه با ایشان است و گفت: ان الله مع الصابرين» (غزالی، ۱۳۸۷:۳۴۳). بدان که صبر خاصه آدمی است که بهایم را صبر نیست که بس ناقصند و ملایکه را به صبر حاجت نیست که بس کاملند و از شهوت مانع، اما انسان چون دارای دو

نیروی فرشتگی و شیطانی است بین آنها نبرد دایمی وجود دارد دارای صبر است (همان، ۳۴۶). «هیچ چیز دشوارتر از صبر نیست» (همان، ۳۴۸). بدان که صبر در بلای درجه صدیقان است (همان، ۳۵۲). احمد جام صبر را کلید می داند «صبر کلید همه چیزهاست و اصل همه شادی هاست، همچنان که پیامبر (ص) فرمود: «الصبر مفتاح الفرج» صبر امیری است از امیران عقل و جزع امیری از امیران هوس» (جام، ۱۳۶۸: ۱۸۲). هر که صبر نکند در کاری که او را پیش آید عین حماقت بود و از بی ایمانی که به قول خدای عزوجل ایمان ندارد و یا از غفلت تمام این همه نیک نیست (همان، ۱۸۵). «و می نویسد صبر در همه چیزها به کار آید در خیر و شر و در نعمت و در شدت و در گفتن و در شنودن و در نشست و برخاست و در جمله ی احوال صبر به کار آید» (همان، ۱۸۲). کاشانی اثبات این مقام بعد از مقام فقر است (کاشانی، ۱۳۸۷: ۲۶۳). «از شرف صبر است که جزای همه چیز به حسابی است الا جزای صبر آنما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب؛ هیچ چیز در تحرک نفس و تمرین او چندان اثر ندارد که صبر» (همان، ۲۶۶). صبر جوهر عقل است چنان سرو عزیزت عقل کامل ترست، صبر بیشتر در صورت او قالب علم است و حیات او به علم و قیام علم بدو تا اول عقل نباشد علم و صبر نتواند بود تا علم نباشد که به محل فضیلت صبر دلالت کند صبر جمیل نپذیرد و تا صبر نباشد که قابل اشارت علم شود دلالت علم نافع نباشد پس کمال علم به صبر بود جمال صبر به علم و کمال و جمال عقل به علم و صبر (همان، ۲۶۶). ابرقوهی «فضیلت خاصه که صبر است حبس نفس از لذات و مبارزات سلطان عقل باسلطان هوا تا مرتکب خلق ها ذمیم نشود» (ابرقوهی، ۱۳۶۴: ۸۳). مولانا جلال الدین بلخی (فوت ۶۷۲ ه.ق) درباره صبر می فرماید:

صد هزاران کیمیا حق آفرید	کیمیای همچو صبر آدم ندید
صبر کردن جان تسبیحات نشست	صبر کن کانسبت تسبیح درست
هیچ تسبیحی ندارد آن درج	صبر کن کالصبر مفتاح الفرج
هر که را بینی یکی جامه درست	دان که او آن را به صبر و شکر جست
هر که را بینی برهنه و بی نوا	هست بر بی صبری او آن گوا

(کاشفی، ۱۳۶۲: ۲۵۲)

## جایگاه صبر در اندیشه عرفا

### انواع صبر

جوادی آملی در تفسیر موضوعی قرآن براساس آیات قرآن را بر سه نوع می داند «صبر هنگام طاعت، صبر از معصیت و صبر بر مصیبت: صبر هنگام طاعت این است که چون انجام کارهای واجب و مستحب دشوار است و انسان ممکن است در برابر آن مقاومت نکند از این رو توصیه به مقاومت شده است. سیر و سلوک مستلزم مقاومت است» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۰۵). صبر از معصیت آن است که چون معصیت ها با «شهوات» همراه است و پرهیز از این امر گوارا برای انسان مخصوصاً جوانان دشوار است او باید صبر کند و خود را از آن بازدارد و تن به تباهی گناه ندهد. صبر بر معصیت نیز این است که چون رویدادهای ناگوار و رخدادهای ناملازم زمینه ی جزع را فراهم می کند کسی که اهل سیر و سلوک است باید در برابر آن صابر باشد (همان، ۳۰۶). قدیمی ترین تقسیم بندی را از اصطلاح «صبر» حضرت علی (ع) بیان نموده است و بعد از ایشان عرفا و صوفیه با الهام از این تقسیم بندی و آیات قرآن و بر اساس تجربه و تلقی خود انواع گوناگونی از صبر ارائه کرده اند که در ذیل دسته بندی مشایخ صوفیه از صبر بر اساس سیر تاریخی ارائه شده است. علی (ع) می فرماید «صبر دو نوع است: صبر علی مکروه و صبر عمّا تحب» (علی بن ابیطالب ۱۳۷۹: ۳۷۰). حسن بصری (فوت ۱۱۰) در جواب یک شخص اعرابی به دو نوع صبر قایل بوده است البته بامصداق های متفاوت «یکی در بلا و مصیبت و یکی بر چیزهایی که حق تعالی ما را از آن نهی کرده است» (عطاری، ۱۳۸۸: ۳۷). ابوسلیمان دارانی (فوت ۲۰۲ یا ۲۰۵ ه.ق) دقیقاً تقسیم بندی حضرت علی (ع) را باهمان مصداق ذکر کرده است (همان، ۲۴۴). ابوسعید خراز اولین کسی است که صبر را به سه دسته تقسیم کرده است. هر چند آن رادر چهار دسته بیان نموده است: «اول) صبر بر انجام واجبات الهی در هر حال، در سختی و آسانی و ملائمت و بلا، رغبت یا کراهت، دوم) صبر به آنچه خداوند از آن نهی کرده است و ممانعت نفس از تمایلات هوس آلود، سوم) صبر بر مستحبات و اعمال نیک، اعمالی که بنده رابه خداوند متعال نزدیک کرده و نفسش را برای کسب ثواب پروردگار و رسیدن به مقصود وامی دارد. چهارم) صبر بر پذیرش حق است از کسی حقایق را برای تو آشکار کرده و تو را با پند و اندرز به آن فرامی خواند» (خراز، ۱۳۹۱: ۱۴۵). سراج که خود بیانگر و تحلیل گر آثار گذشتگان است از قول بن سالم صبر را سه نوع می داند باهمان مضمون گذشته البته بالفاظی تازه تری: «صبر متصبر، صبر صابر و صبر صبار؛ متصبر آن است که صبر فی الله دارد، گاهی بر سختی تحمل دارد و گاهی دیگر بی تاب و توان است. صابر آن است صبر فی الله (صبر در نفس) و لله (صبر در قلب) دارد و بی تابی نمی کند و جزع و فزع بر او چیره نمی شود ولی شکوه از وی انتظار می رود. صبار کسی که صبر فی الله (صبر در نفس) و لله (صبر در قلب) و بالله (صبر در روح) دارد اگر تمام بلاها بر او واقع گردد ناتوان نمی شود و نه از جهت وجوب و حقیقت و نه از جهت

رسم و خلقت تغییری در وی ایجاد نمی‌گردد» (سراج، ۱۳۸۶: ۷۲). ابوبالب مکی صبر را با توجه به آثار گذشتگان بر سه نوع می‌داند بدون هیچ نوآوری (مکی، ۱۳۱۰: ج ۱/۱۹۸). نيسابوری خرگوشی با پیروی از تقسیم بندی حضرت علی (ع) صبر را بر دو نوع می‌داند (نيسابوری خرگوشی، ۱۴۱۹: ۱۲۴). اما به نقل از سهل بن عبدالله بیان می‌کند «که صبر بر چهار وجه است: صبر بر مائب، صبر بر فرائض و صبر بر آزار مردم و صبر بر فقر» (همان، ۱۲۷) که دو نوع صبر بر آزار مردم و بر فقر را بر تعاریف گذشته افزوده است. هجویری از قول حسن بصری در جواب یک اعرابی نیز مشابه گذشتگان به دو نوع صبر اعتقاد داشته است «یکی صبر اندر مصیبت و بلیات و دیگر صبر از منهیات» (هجویری، ۱۳۸۲: ۱۲۰). قشیری نیز مانند گذشتگان صبر را بر سه نوع می‌داند باین تفاوت آن را اکتسابی و غیر اکتسابی می‌داند «صبری بود به کسب بنده و صبری بود نه به کسب بنده؛ صبر کسی بر دو قسم است: صبری بود به آنچه خدای عزوجل فرموده است و صبری بود به آنچه نهی کرده است اما صبر که کسی نیست (بنده را) صبر او بود بر مقاسات آن چه بدو رسد از حکم حق، سبحانه و تعالی که او در آن رنجی رسد و غیظی نبود» (قشیری، ۱۳۸۱: ۲۷۸). از قول ابوعبدالله حقیف گوید: «صبر سه است متصبر است و صابر و صبار» (همان، ۲۸۱). و نقل کرده است که صبر بر دو گونه باشد: «صبر عابدان و صبر محبتان و صبر عابدان نیکوتر آن بود که محفوظ باشد و صبر محبتان آن بود که برداشته بود» (همان، ۲۸۷). خواجه عبدالله انصاری (فوت ۴۸۰) «بر اساس قول خداوند که «آن تصبروا خیر لکم» صبر را سه رکن است: یکی بر بلا یا «صبروا» آن است، دیگر از معصیت «صابروا» آن است و پنجم بر طاعت «ورابطوا» آن است صبر بر بلا» (انصاری، ۱۳۷۵: ۴۱). غزالی در کیمیای سعادت بر اساس آیات شریفه قرآن مانند گذشتگان بر سه دسته قایل است باین تفاوت که درجات ثواب و اعتبار هر یک از آنها را بر می‌شمارد: «صبر در طاعت سیصد درجه ثواب بیفزاید و دیگر صبر از آنچه حرام است ششصد درجه است و سوم صبر بر معصیت و این نهصد درجه است» (غزالی، ۱۳۸۷: ۳۵۲). عین القضاة (فوت ۵۲۵ ه.ق) در تمهیدات صبر را بر سه نوع می‌داند «الصبر فی الله دیگرست، الصبر لله دیگرست، الصبر مع الله سخت از همه این همه صبرها باشد (عین القضاة، بی تا: ۳۱۸) احمد جام (فوت ۵۳۶ ه.ق) می‌نویسد: «صبر بر هفت درجه است و هر که در این هفت جای گاه، این هفت چیز نگاه دارد او صابر حقیقت باشد. این هفت چیز: اول آن است که به ادای فرض ها، دوم بر آنچه اجتناب فرموده اند، سوم بر رنج و سختی که پیش آید، چهارم صبر بر معصیت که پیش آن شیطان و هوی و نفس و دیو و مردم همه یکی شوند، پنجم بر گزیدن کاری هنگامی که در کار پیش آید با هوس و شهوت و یکی خدایی، ششم صبر بر بلا که پیش آید دست به کتاب خدای «عزوجل زنی و لنگر صبر فروگذارد که داند بلا از اوست. هفتم هر بلایی که بر صابر برسد در اندیشد که اگر من بر خیزم و همه خلق یار گیریم هر چه خدا خواست آن می‌شود» (جام، ۱۳۶۸: ۱۸۲-۱۸۳). خواجه نصیر طوسی صبر را سه نوع می‌داند و با توجه به نسبت دادن آن به خود اشخاص به تقسیم بندی و نوآوری پرداخته است: اول صبر عوام است و آن حبس نفس است بر سبیل تجلّد و اظهار ثبات در تحمل تا ظاهر حال او به نزدیک عاقلان و عموم مردم مرضی باشد. دویم صبر زهاد و عبّاد و اهل تقوی و ارباب حکم از جهت ثواب آخرت؛ سیّم صبر عارفان چه بعضی از ایشان التذاذ یابند به مکروه از جهت آنکه معبود جلّ ذکره ایشان را به آن مکاره از دیگر بندگان خاص گردانیده است و به تازگی ملحوظ نظر او شده اند» (طوسی، ۱۳۷۷: ۶۰). عزالدین محمود کاشانی صبر را به مصداق و تمایز نفس و قلب و روح به سه دسته تقسیم می‌کند که در گذشته نبوه و اندیشه نویی است: «صبر سه نوع است، صبر نفس، صبر قلب و صبر روح؛ صبر نفس دو گونه است. یکی صبر از مراد دوم صبر بر مکروه و صبر از مراد هم دو گونه است؛ فرض و نفل. فرض بر صبر است از محرّمات شرعی که نفس بر آن تشوقی دارد و نفل صبر است از مکاره چون شبهات و زیادات قولی و فعلی؛ چه ترک آن از قبل مستحسّنات است» (کاشانی، ۱۳۸۷: ۲۶۳-۲۶۴). «صبر بر مکروه دو گونه است: فرض و نفل. فرض صبر است بر ادای فرایض عبادات از صلات و زکات و صوم و حج و نفل، انواع بسیار است مانند صبر نوافل عبادت و صبر بر رعایت اقتصاد و صبر بر کتم کرامات و احوال و صبر بر خمول و صبر بر مذمت و صبر بر فقر و صبر بر اخفای آن و صبر بر بلا و مصیبت و صبر بر نعمت و عافیت؛ چه صبر بر نعمت تا در مناهی صرف نرود» (همان، ۲۶۴). «صبر قلب بر دو گونه است: صبر بر مکروه و صبر از مراد اما صبر بر مکروه، یا بر دوام تصفیه ی نیت بود و اخلاص آن از شایبه ی نصیب نفس و آن را صبر لله خوانند یا بر دوام مراقبت و ذکر الله - سبحانه تعالی - و آن را صبر علی الله خوانند یا بر التفات به عالم نفس و اشتغال به تدبیر و سیاست او و آن را هم صبر لله خوانند» (همان، ۲۶۴). اما صبر روح هم دو گونه است: یکی صبر بر مکروه و آن صبر است بر اطراق بصیرت از تحدیق نظر در مشاهده ی جمال ازل و انطوای روح در مطاوی حیا، رعایت ادب حضرت شهود را این صبر را صبر مع الله خوانند دوم صبر از مراد و آن صبر است از اکثر حال بصیرت به نور مشاهده جمال ازلی در حضرت جلال لم یزلی و این صبر را صبر عن الله خوانند (کاشانی، ۲۶۵-۱۳۸۷: ۲۶۴). شمس الدین محمد آملی (فوت ۷۳۵ ه.ق) می‌نویسد: «صبر اگر از محرّمات شرعی بود که نفس بدان تشوقی داشته باشد یا از مشتهیات و مرادت قولی و فعلی، یا بر ادای فرایض و نوافل یا بر خمول و فقر یا در بلا و مصیبت، یا بر نعمت تا آن در مناهی صرف نشود یا بر عافیت تا در فتنه نیفتد این جمله را صبر فی الله خوانند و اگر صبر باشد بر دوام مراقبت و ذکر حق سبحانه و تعالی» آن را صبر علی الله خوانند و اگر صبر باشد از دوام محاضره و مکاشفه آن را صبر عن الله خوانند و اگر صبر باشد بر اطراف بصیرت از تحدیق نظر در مشاهده جمال ازلی و انطوای روح در مطاوی حیا از برای رعایت ادب حضرت شهود آن را صبر مع الله خوانند (آملی، ۱۳۸۱: ۲۱). ابرقوهی در خطاب به نفس و با توجه به اندیشه گذشتگان به سه نوع صبر قایل است باین تفاوت که با توجه به اشخاص نوآوری و مضمون سازی می‌کند: «ای نفس بدان که صبر سه گونه است: صبر ظالمان، صبر مقتصدان و صبر سابقان. صبر ظالمان بازداشتن فعل باشد از معاصی و صبر مقتصدان تحمل مکروه ولیکن به شکر و رضا و مشفوع و صبر سابقان در دوام مجاهده و در مشاهده توان یافت (ابرقوهی، ۱۳۶۴: ۸۴).

### تصاویر صبر

حضرت محمد (ص) می فرماید: «صبر در ایمان به مانند سر در جسم است» (ردایی آملی، ۱۳۸۶: ۲۸۸). رابعه عدویه (فوت ۱۳۷) گفت: «اگر صبر مردی بود کریم بود» (عطار، ۱۳۸۸: ۶۹). ابراهیم ادهم (فوت ۱۶۰) در پاسخ این که چگونه چگونه می گذرانی صبر را مرکبی از سه مرکب می داند: «چون نعمتی پدید آید بر مرکب شکر نشینم و پیش او باز شوم و چون بلایی پدید آید بر مرکب صبر نشینم و پیش باز روم و چون طاعتی پیدا گردد بر مرکب اخلاص نشینم و پیش روم» (عطار، ۱۳۸۸: ۱۰۲). و مکی از مقامات عرفانی «شبهه ترین مقام به صبر را مقام خوف» (مکی، ۱۳۱۰: ج ۱/۲۰۰) می داند

### بهترین و دشوارترین صبرها

مشایخ با ذوق و تجربیات خود نیز بهترین و دشوارترین صبرها را معرفی کرده اند. که بهترین و دشوارترین صبر بسیار شخصی و متنوع است نسیابوری خرگوشی از سری سقطی نقل کرده است «که صبورترین مردم کسی است که صبر کند بر حق» (نسیابوری خرگوشی، ۱۴۱۹: ۱۲۴). امامدشوارترین صبر و ضعیف ترین صبر نیز در اندیشه صوفیه متفاوت است. خواجه عبدالله انصاری می نویسد: «ضعیف ترین صبر، صبر است برای خدای و آن صبر عامه است و بالاتر از آن است صبر به یاری خدا و آن صبر مرید است و بالاتر هر دو است در برابر خدا و آن صبر سالک است» (انصاری، ۱۳۷۹: ۱۰۶). خواجه عبدالله انصاری در نقل حکایتی از حالات شبلی از زبان کودکی می نویسد: «سخت ترین صبر، صبر خدا است» (انصاری، ۱۳۶۲: ۳۰۸) مکی می نویسد: «مردی از شبلی پرسید کدام صبر بر صابر سخت است پس گفت صبر در خدا» و از سهل بن عبدالله روایت می کند «صبر بر عافیت سخت تر از صبر بر بلا است» (همان، ۲۱۹). کاشانی می نویسد: «دشوارترین صبر، صبر روح است چه در این صبر منازعت با روح است و منازعت با روح دشوارتر از منازعت با نفس است» (کاشانی، ۱۳۸۷: ۲۵۶).

### نشانه ی صبر

نسیابوری خرگوشی نقل می کند که شاه شجاع کرمانی (فوت ۲۷۰ یا ۲۸۸ ه.ق) گفت: «علامت صبر بر سه چیز است، ترک شکایت، راستی و خشنودی و پذیرش قضا است» (نسیابوری خرگوشی، ۱۴۱۹: ۱۲۴) که همین عبارت را عطار از شاه شجاع کرمانی نقل کرده است (عطار، ۱۳۸۸: ۳۳۲). قشیری صبر کردن برای خدا نشانه توانگری است و صبر کردن برای خدا نشانه ی بفاست و صبر کردن اندر خدای بلا است و صبر کردن با خدا نشانه ی وفاست و صبر کردن از خدای نشانه ی جفا و ستم است (قشیری، ۱۳۸۸: ۲۸۳)

### نتایج صبر

در این بخش از پژوهش به نتایجی که از طریق کسب مقام «صبر» به سالک دست می دهد بررسی کرده ایم و با توجه به تجربیات و اندیشه و آبخور فکری مشایخ صوفیه نتایجی که از صبر سالک یا عارف به دست می آید بسیار متفاوت بوده که در ذیل از رهگذر سیر تاریخی به آنها پرداخته ایم. در احادیث شریف پیامبر (ص) آمده است: «صبر مایه ی خشنودی است» (ردایی آملی، ۱۲۸۶: ۲۸۸). «خدا صاحب صبر را به بهشت می برد» (همان، ۲۸۸). کسی که بر معصیت صبر کند خدا به او پاداش می دهد» (همان، ۲۸۹). حضرت علی (ع) می فرماید: «هر کس صبر او را نرھاند بی تابی اش تباہ گرداند» (علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹: ۳۹۲). عبدالله تستری (فوت ۲۸۳ ه.ق) می گوید: «اصل جمله ی آفت ها اندکی صبر است در چیزها» (عطار، ۱۳۸۸: ۲۷۳). جنید بغدادی اعتقاد دارد غایت صبر توکل است» (همان، ۳۸۸). ابوالعباس سیاری (فوت ۳۴۲ ه.ق) گفت: «ایمان بنده هرگز راست به نایستد تا صبر نکند بر دل همچنان که صبر کند بر عز» (همان، ۶۷۶). نسیابور خرگوشی از داود (ع) نقل کرده است: «الهی چیست جزای اندوهگینی که صبر می کند بر مصائب و سختی ها بخاطر رضا و خشنودی تو؟ گفت: جزایش این است که او را لباس ایمان می پوشاند و از او هرگز در نمی آورد» (نسیابور خرگوشی، ۱۴۱۹: ۱۲۲). نسیابور خرگوشی در پاسخ از این که صبر چیست؟ گفت: باطنش خشنودی است (همان، ۱۲۳). «از ابوبکر و راق نقل کرده است کسی که ببیند امور را از آسمان پس صبر می نماید و کسی که امور را از زمین ببیند سرگشته و حیرت زده می شود» (همان، ۱۲۵). مستملی بخاری با توجه به آیه ی شریفه انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب .. ثواب صبر بی نهایت نهاد که هرچه احساب نباشد نهایت نباشد (مستملی، ۱۳۶۵: ۱۲۲۷) خواجه عبدالله انصاری مینویسد: «از نتایج صبر بر بلا سه چیز زاید، یکتایی دل و علم باریک و نور فراست و صبر از معصیت به ترس توان و از آن سه چیز زاید: الهام دل ها و قبول دعا و نور عصمت و صبر بر طاعت به امید توان و از آن سه چیز زاید: بازداشت بلاها و روزی نابویسیده و گراییدن با نیکان» (انصاری، ۱۳۷۵: ۴۲). غزالی از کیمیای سعادت می نویسد: صلوات، رحمت و هدایت هر سه هیچ کس را جمع نکرده مگر صابران را و گفت: «اولئک علیهم صلوات، من ربهم رحمه و اولئک هم المهدتون» (غزالی، ۱۳۸۷: ۳۴۳). غزالی از قول داود گفت: «بار خدایا چیست جزای آنکه در مصیبت صبر کند برای تو. گفت: آنکه او را خلعت ایمان درپوشم که هرگز باز نستانم» (همان، ۴۵۲). قشیری از نقل ابوعثمان آورده است «که نیکوترین جزاها که بندگان دهند جزا بود بر صبر کردن و برتر از آن جزا نبود، زیرا که خبر داد اندر کتاب و لنجزینّ الذین صبر أجرهم باحسن ماکانوا یعلمون (قشیری، ۱۳۸۸: ۲۸۰). قشیری می نویسد: «اندر اخبار می آید که درویشان صبر کننده هم نشینان خدای عزوجل باشند در روز قیامت» (همان، ۲۸۵) عین القضاة

صبر را دوا و علاج برخی دردها و مرض‌ها می‌داند (عین القضا، بی تا: ۳۱۸). جام می‌نویسد: «صابر را فتنه زیان ندارد زیرا که فتنه‌ی محک مردان است» (جام، ۱۳۶۸: ۱۸۳).

ردیف	شخص	سال فوت به هجری قمری	مضمون اصلی تعریف صبر	مقلدان
۱	قرآن	-	حس + امساک + خویشتن داری - جرات - انتشار	
۲	علی ابن ابیطالب	۴۰	شجاعت	
۳	جنید	۲۹۷	بازداشتن نفس و جزع نکردن از بلا	ابوسعید خراز ۲۸۶- ایومحمد جریر ۳۱۱- ابوعمر و جنید ۳۶۶- قشیری ۴۶۵ به نقل از ذوالنون - ابن عطا - رویم - جریر - استاد ابوعلی سراج ۳۷۸- خواجه عبدالله انصاری ۴۸۰- احمد جام ۵۳۶- خواجه نصیرطوسی ۶۷۲ - عزالدین محمود کاشانی ۷۳۵- ابرقوهی
۴	ابراهیم خواص	۲۹۱	ثبات بر احکام کتاب و سنت	غزالی ۵۰۵
۵	نیشابور خرگوشی	۴۰۷	سفارش خدای تعالی و زمین	
۶	روزبهان یقلی	۶۰۶	خاموش کردن آتش نفس اماره. با شفق حق و در بلا ایستادن	

ردیف	شخص	سال فوت به قمری	مضمون اصلی جایگاه صبر در اندیشه عارف	ردیف	شخص	سال فوت به قمری	مضمون اصلی جایگاه صبر در اندیشه عرف
۱	پیامبر	۱۰	ازاد کردن بندگان	۸	هجوری	۴۷۰	یکی از هشت خصلت پیامبران است
۲	علی ابن ابی طالب	۴۰	جایگاه سر در بدن	۹	قشیری	۴۶۵	ابزار دفاع است
۳	فضیل عیاض	۱۸۷	اصل حلم	۱۰	غزالی	۵۰۵	خاصه ادمی است نه بهایم
۴	ابو بکر وراق	قرن سوم	کلید برکت هاست	۱۱	احمد جام	۵۳۶	کلید همه چیزست
۵	مکی	۳۸۶	سخت‌ترین چیزست بر نفس	۱۲	عزالدین کاشانی	۷۳۵	جزای همه چیزهاست
۶	نیشابوری خرگوشی	۴۰۷	نهایت توکل است	۱۳	ابرقوهی	۷۱۱	مانع خلق‌های پست
۷	مستملی	۴۳۴	پاک‌کننده چیزهاست	۱۴	مولوی		کیمیا-کلید گشایش



## نتیجه گیری

هرچند بعضی از مشایخ و نظریه پردازان صوفیه صبر را جزء احوال می دانند اما دیدگاه کلی و غالب مشایخ صوفیه بر آن است که «صبر» یکی از مقالات عرفانی است. واژه «صبر» یکی از اصطلاحات مهم عرفانی است که از قرآن مجید گرفته شده است. این واژه و مشتقات آن حدوداً صد بار در قرآن کریم ذکر شده است، خود واژه «صبر» به تنهایی حدود ۵۰ بار در آیات شریفه ی قرآن کریم آمده است. که این خود بیانگر اهمیت آن است صبر در اخبار و احادیث پیامبر (ص) و حضرت علی(ع) بازتاب وسیعی داشته است. «صبر» در لغت و آیات قرآن مجید به معنی حبس، امساک و خویشتن داری و در معانی چون روزه، جرأت، انتظار و خویشتن داری جلوه کرده است. درباره تعاریف «صبر» نظریات و اندیشه های صوفیه بسیار پراکنده و گوناگون وجود دارد، هر یک از مشایخ مبتنی بر تجارب شخصی خود آن را تعریف نموده اند اما آنچه در بیشتر این تعاریف حضور مشترک دارد اشارات مشایخ به صبر نفس است. صوفیه بر اساس تجربه و تلقی خود بیان کرده اند که صبر شجاعت است، انتظار فرج است، تحمل ناخوشایندی نفس است، صبر ثبات است بر احکام کتاب و سنت، صبر آن است که فرق نکنند میان حال نعمت و محنت به آرام نفس، صبر حبس نفس است از لذات و مبارزات سلطان عقل با سلطان هوی، صبر جلوگیری از شکایت در تلخی و آزمایش و بستن زبان از حکایت است و... «صبر» در اندیشه مشایخ جایگاه ویژه و مطلوبی داشته است صبر مانند آزاد کردن بندگان است، جایگاه صبر در ایمان چون سر است در بدن و به گونه ای اصل عقل صبر است و صبر کلید همه برکت هاست و صبر نهایت توکل است و صبر خاص آدمی است و صبر اصل همه شادی هاست و خداوند کیمیای مانند صبر را خلق نکرده است. حضرت علی (ع) نخستین کسی است که صبر را دو نوع تقسیم کرده است: صبر بر آنچه ناپسند است و بر آنچه دوست داشتی است بعد از ایشان در طول تاریخ تصوف، تقسیم بندی های گوناگون در باغ تصوف در باب صبر رشد کرد که بیشتر تقسیم بندی ها در محورهای ذیل می چرخند؛ صبر بر بلا و مصیبت، صبر بر چیزهایی که خداوند نهی کرده است، صبر بر واجبات الهی و صبر بر مستحبات، صبر بر پذیرش حق و صبر بر سه نوع نفس، قلب و روح یا تقسیم بندی ها مبتنی بر پایگاه اجتماعی افراد مانند صبر عوام، صبر زاهدان و عارفان یا صبر ظالمان، مقتصدان و سابقان. صبر نتایج متعددی را می تواند داشته باشد مانند صبر مایه ی خشنودی است؛ صابر پاداش اخروی می یابد؛ کمی صبر جمله آفت هاست، ایمان انسان کامل نمی شود مگر به صبر کردن؛ جزای انسانهای صبور لباس ایمانی است که هرگز از تن بیرون نمی آورد. صبر در اندیشه مشایخ و عرفا مانند سر در جسم است یا مرکبی است که سالک بر آن بنشینند و پیش رود و بهترین صبرها صبر بر حق است و سخت ترین صبرها صبر از خداوند است. نشانه ها صبر سه چیز است ترک شکایت، راستی و خشنودی و پذیرش قضا است.

## منابع

- آملی، شمس الدین محمد، نفایس الفنون فی عرایس العیون، ج ۲، تصحیح سیدابراهیم میانجی، تهران: کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۸۱.
- ابرقوهی، شمس الدین ابراهیم، مجمع البحرین، به اهتمام نجیب مایل هروی، چاپ اول، تهران: مولی، ۱۳۶۴.
- انصاری، خواجه عبدالله، صد میدان، تصحیح عبدالحی حبیبی، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۵.
- \_\_\_\_\_، طبقات صوفیه، تصحیح دکتر محمد سرور مولایی، تهران: توس، ۱۳۶۲.
- \_\_\_\_\_، منازل السائرين علی المقامات و صد میدان، ترجمه عبدالغفور روان فرهادی به کوشش محمد عمار مفید، چاپ سوم، تهران: مولی، ۱۳۸۹.
- \_\_\_\_\_، مجموع رسایل فارسی، ج اول، تصحیح دکتر محمد سرور مولایی، تهران: توس، ۱۳۷۲.
- جام، احمد، انیس التائبین، تصحیح علی فاضل، چاپ اول، تهران: توس، ۱۳۶۸.
- جوادی آملی، آیه الله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد ۱۱، چاپ دوم، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
- خرآز، ابوسعید، شرح کتاب الصدق، شرح و ترجمه مریم شعبانزاده، چاپ اول، مشهد: مرندید، ۱۳۹۱.
- ردایی آملی، حسین، نهج الفصاحه، چاپ نهم، قم: نسیم حیات، ۱۳۸۶.
- روزبهان بقلی شیرازی، ابو محمد، مشرب الارواح، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی، طبعه اولی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
- سراج، ابونصر عبدالله بن علی، ترجمه اللمع فی التصوف، تصحیح نولدال نیکلسون، مترجمان قدرت الله خیاطیان، مهدی خورسندی، سمنان: دانشگاه سمنان، ۱۳۸۶.
- سهروردی، شیخ شهاب الدین، عوارف المعارف، ترجمه ی ابومنصور ابن عبدالومون اصفهانی به اهتمام قاسم انصاری، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- شعبانزاده، مریم، سیر تطور مفهوم عرفانی حال تا قرن هشتم، پژوهش های ادب عرفانی (گوهر گویا) سال ششم، شماره سوم، پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۲۵-۱۴۸.
- \_\_\_\_\_، سیر تطور مقامات تا قرن هشتم، مجله ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی، سال چهل و یکم، شماره ۱۶۲، پاییز ۱۳۸۷، ص ۴۹-۶۹.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، اوصاف الاشراف، به اهتمام سیدمهدی شمس الدین، چاپ چهاردهم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۷.
- عطاری، محمدبن ابراهیم، تذکره الاولیاء، تصحیح محمد استعلامی، چاپ نوزدهم، تهران: زوار، ۱۳۸۸.
- علی ابن ابیطالب، نهج البلاغه، مترجم سید جعفر شهیدی، چاپ هیجدهم، ۱۳۷۹.
- \_\_\_\_\_، مترجم محمد دشتی، چاپ سی و سوم، تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، ۸۴.
- عین القضاة، ابو المعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی، تمهیدات، به تصحیح غفیف عسیران، چاپ دوم، تهران: کتابخانه منوچهری، بی تا.

- غزالی، محمد بن محمد، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوچم، جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، جلد چهارم، چاپ هفتم، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۵.
- قشیری، ابوالقاسم، رساله ی قشیری، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدالزمان فروزانفر، چاپ دهم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
- کاشفی، مولانا ملاحسین، لب لباب مثنوی، مقدمه سعید نفیسی، چاپ دوم، تهران: بنگاه مطبوعاتی افشاری، ۱۳۶۲.
- کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح و توضیحات عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، چاپ سوم، تهران: زوآر، ۱۳۸۷.
- مکی، ابوطالب محمد بن ابی الحسن، قوت القلوب فی معامله المحبوب، قاهره: مطبعه میمنه (افست بیروت: دارصادر)، ۱۳۱۰.
- مستملی بخاری، ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد، شرح التعرف لمذهب التصوف، جلد سوم، تصحیح محمد روشن، چاپ اول، تهران: اساطیر، ۱۳۶۵.
- میبدی، احمد، تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید، نگارش و تلخیص حبیب الله آموزگار، تهران: اقبال، ۱۳۴۷.
- نجم الدین رازی، عبدالله بن محمد، مرصادالعباد، به اهتمام محمد امین ریاحی، چاپ سیزدهم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- نیسابوری خرگوشی، عبدالملک بن محمد ابراهیم، تهذیب الاسرار، تحقیق بسام محمد باورد، ابوظبی: مجمع الثقافی، ۱۹۹۸ م / ۱۴۱۹ ق.
- هجوبیری، ابوالحسن علی بن عثمان، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، چاپ سوم، تهران: سروش، ۱۳۸۶.

## The development and evolution of the mystical term “patience” from the beginning to the end of the eighth century

### Abstract

Although the term “patience” is one of the basic and fundamental concepts of Sufis in their conduct, there has been no consensus on its definition, classification and examples, from the early centuries to the eighth century. And each mystic, according to his own experience, perception and study, has understood and presented a special concept of patience, its types and its status.

From the beginning of Islam, due to the verses of the Holy Quran and the hadiths of the Holy Prophet (PBUH), the word “patience” entered the field of mysticism and gradually developed greatly and became a unique and special term. Sufis have provided various examples, concepts, and classifications of this term.

This study - through the report of the sayings of the elders of Sufism - intends to show the transformation, consolidation, definition, division, results, similarity, best and most difficult, position and signs of the mystical term “patience” from the oldest Sufi texts to the end of the eighth century based on the historical course.

**Keywords:** Definitions of patience, types of patience, place of patience, results of patience, the best and most difficult patience